

تعیین حداقل دستمزد، چالش شدید کار و سرمایه

تعیین حداقل دستمزد در این برهه از سال در ایران زیر حاکمیت مضاعف سرمایه و حکومت فلاکت‌بارش، به یکی از چالش‌های مهم کار و سرمایه درآمده است.

به راستی «دستمزد» چیست؟ دستمزد به بیان ساده، بخش کمتری از ارزش نیروی کار است و نه همه‌ی ارزش آن. بخش دیگر که به وسیله سرمایه‌دار ربوده می‌شود ارزش افزوده‌ای است که در پی تصاحب رایگان نیروی کار کارگزار آفریده است و سرمایه‌دار از استثمار نیروی کار، تصاحب می‌کند. به بیان دیگر، ارزش سرمایه‌ی زنده که سرمایه‌ی بی‌جان را جان و ارزش می‌بخشد، مجموعه‌ی ارزش مصرف و مبادله‌ای است که سرمایه‌دار به یک جا تصاحب می‌کند و تنها بخشی از ارزش آن را زیر نام «دستمزد» به کارگر می‌پردازد.

به بیان دیگر، دستمزد، آن بخش ناچیزیست که کارگر تنها برای زنده ماندن و جبران نیروی از دست رفته برای بازآفرینی سرمایه در فردای دیگر می‌گیرد و سرمایه‌دار با استثمار آن بخش از نیروی کار پرداخت نشده به انباشت سرمایه و سرمایه‌افزایی دست می‌یابد. با تصاحب این نیروی کار به بهای ناچیز، سرمایه‌دار از این کالای «معجزه‌گر»، کالایی به دست می‌آورد که پیوسته با توجه به تورم گران تر می‌فروشد. بنا به دیالکتیک این مناسبات، ارزش نیروی کار پیوسته کم بها تر و کم بهاترمی‌شود؛ به این گونه که پیوسته آن بخش از مدت کار روزانه که کارگر در برابر آن مزد دریافت می‌کند کوتاه‌تر و به آن ساعات کاری که بردگی می‌کند طولانی‌تر می‌شود.

کارگر با دستمزد دریافتی، از بازار سرمایه کالاهایی برای زیست «بخور و نمیر» تا بازتولیدی دیگر، می‌خرد که پیوسته گرانتر می‌شوند و به این گونه دستمزد یا ارزش بخشی پرداختی نیروی کار، پیوسته در یک چرخه‌ی فلاکت‌بار با تورم مسابقه می‌دهد. این تعریف در مورد ایران زیر حاکمیت «اوباش‌کراسی» صدق نمی‌کند؛ زیرا که باند حاکم به عنوان بزرگترین کارفرما و نیز طبقه سرمایه‌دار (کمپرادور، تمامی بخش‌های مالی، تجاری، صنعتی و...) نه تنها مزد کارگران پس از مصرف نیروی کار در مدت قراردادی نمی‌پردازد، بلکه نپرداختن دستمزدها تا دو سال نیز به درازا می‌کشد در این میان این بخش از ارزش نیز یا در چرخه‌ی مالی به جریان افتاده و سودآفرین می‌شود یا هزاران هزار کارگر در این فاصله به مرگ و تباهی کشانیده شده و حکومت اوباشان، میراث خور این سرقت می‌شود.

تعیین دستمزدها در نظام جمهوری اسلامی سرمایه

ماده ۴۱ قانون کار، تعیین حداقل دستمزد کارگران را به «شورای عالی کار» -جمعی که نمایندگی سرمایه را به عهده دارند و از نمایندگان کارفرمایان، شوراهای اسلامی کار و وزارت کار تشکیل می‌شود- واگذار می‌کند وظیفه‌ی این نرخ گذاری بورژوازی را به عهده دارند.

کاهش دستمزدها با نامه مدیر کل بانک مرکزی

به تعیین حداقل دستمزدهای سال ۸۸ بنگریم: حداقل دستمزدی که رسماً برای کارگران در سال ۸۸ مشخص شده، بسیار کمتر از میزانی است که وزارتخانه‌های حکومتی به عنوان حد فقر مطلق اعلام می‌کنند. محمد جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی دوره نخست باند حکومت نظامیان به توجیه دفاع از سرمایه چنین گفت: «در این زمینه یک پارادوکس وجود دارد و آن این است که از یک سو این حداقل دستمزد کفاف زندگی کارگران به خصوص در شهرهای بزرگ را نمی‌دهد و از سوی دیگر با افزایش حقوق کارگران، پایداری بنگاه‌های اقتصادی کم می‌شود و بیکاری افزایش می‌یابد.» [1]

با همین توجیه، حداقل دستمزدی که رسماً برای کارگران در سال ۸۸ مشخص شده بود، بسیار کمتر از میزانی بود که وزارتخانه‌های دولت به عنوان حد فقر مطلق اعلام کرده بودند. هرچند از زمان قدرت یابی الیگارشی سپاه-اطلاعات، وزارت «رفاه» سارقان از اعلام خط فقر طفره رفته، دستمزدها بر خلاف ادعای چند درصدی افزایش، همه ساله کاهش می‌یابد. شدت استثمار بالا می‌رود. دستمزد اسمی یا آن مقدار پولی که کارگر می‌گیرد، هیچگاه با دستمزد واقعی یعنی مقدار کالایی که می‌تواند بخرد هماهنگ و همسنگ نیست. به بیانی دیگر، دستمزدها با قدرت خرید هیچگاه برابر نیستند و پیوسته، توان خرید یا مقدار کالایی که کارگر می‌تواند بخرد کاسته می‌شود و کفه ترازو همیشه به ضرر طبقه کارگر است.

قوانینی برای فریب

اصل ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی مدعی است که سران حکومتی مسئولند که برنامه اقتصادی کشور را به گونه‌ای تنظیم کنند تا «شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.»

ماده ۵۱ قانون کار

به پیروی از این اصل قانون اساسی اعلام می‌کند که «ساعات کار کارگران در شبانه روز نباید از 8 ساعت تجاوز نماید.»

ماده ۵۲ قانون کار، حتماً برای کارهایی که «سخت و زیان آور و زیرزمینی» خوانده می‌شوند، ۶ ساعت در روز را بیشتر مجاز نمی‌داند. قانون کار حداکثر ساعت کار در هفته را برای شغل‌های معمولی ۴۴ ساعت و برای کارهای سخت ۳۶ ساعت تعیین کرده است. واقعیت تلخ اما، این ادعای پوچ و فریبکارانه‌ی قانون جمهوری اسلامی را برملا می‌سازد. بیش از ۷ میلیون شغل کاذب و شغل‌های سه گانه گواه این واقعیت غمبار است.

مدیر کل بانک مرکزی، ۲۳ فروردین در نخستین نشست مطبوعاتی خود در سال ۸۸ می‌گوید: «تعدادی از کارخانه‌دارها و کارفرمایان نزد ما آمدند و اعلام کردند اگر اقدام به افزایش هزینه‌ها شود، ما نیز ۵۰ درصد نیروهای خود را اخراج می‌کنیم.»

حکومت اسلامی منجمد کردن دستمزدها را بهانه می‌آورد که «سال گذشته افزایش حداقل دستمزد کارگران موجهی از اخراج‌ها را در پی داشت.»

فاکتورهای تعیین حداقل دستمزد

۱- میزان تورم

بنا به ادعای این باند، برای نرخ گذاری دستمزد، با استعلام نرخ تورم از بانک مرکزی، نرخ تورم سال ۱۳۸۷ معادل ۲۵/۴ درصد اعلام شده بود، که مبنای محاسبه ۲۷۴ هزار و ۵۰۰ تومان به عنوان حداقل دستمزد کارگران در سال ۸۸ گردید.

محمود بهمنی، مدیر کل بانک مرکزی، در نامه‌ای به وزیر کار مدعی شد که تورم رو به کاهش است و افزایش ۲۵ درصد دستمزدها به اخراج تعداد زیادی از کارگران می‌انجامد. این پیش‌بینی باعث تجدید نظر در افزایش حداقل دستمزد و کاهش آن به ۲۶۳ هزار و ۵۲۰ تومان در ماه شد. محمود بهمنی رئیس هیئت مدیره شرکت‌های مالی و سرمایه داری بسیاری است که در پی برکناری مظاهری از آنجا که از ابواب جمعی باند سپاه -اطلاعاتی‌ها بود به این سمت نشانیده شد.

۲- تامین هزینه‌ی زیست یک خانواده

در قانون کار تامین مخارج زندگی، شرط دوم تعیین میزان حداقل دستمزد ذکر شده. تبصره دوم ماده ۴۱ این قانون می‌گوید: «حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تامین نماید.» این تبصره در عمل مانند اصل ۲۲ قانون اساسی رعایت نمی‌شود.

وزارت رفاه و تامین اجتماعی که مسئول اعلام خط فقر است، از زمان روی کار آمدن دولت نهم از این کار امتناع می‌کند.

با توجه به اطلاعات مرکز آمار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی برآورد می‌شود که در تهران هر خانواده باید **دستمزد ۸۰۰ هزار تومان** در ماه داشته باشد تا از خط فقر بگذرد. به فرض دریافت ماهانه دستمزد به موقع، حتی برابر با دوبرابر میزان مورد تصویب حکومت اسلامی، بیش از نیمی از جامعه ۷۰ میلیون نفری در ایران زیر خط فقر مطلق به سر برده و روزگار تلخی می‌گذرانند.

۸۰ درصد کارگران قرار دادی هستند

قانون کار جمهوری اسلامی دو دهه پس از تصویب شدن، همچنان مورد دستبرد سرمایه‌داران حاکم قرار می‌گیرد و سلاخی می‌شود. اکثریت کارگران ایران به هیچ روی شامل این قانون نیستند. بنا بر ماده ۱۹۱ قانون کار «کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان بر حسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی از مقررات این قانون مستثنی نمود.» بسیاری از کارگاه‌های کوچک و نیز بخش کشاورزی بدون هیچ پوشش قانون کار و بدون برخورداری از مزایای متعارف مناسبات بورژوازی اداره می‌شوند و به شیوه ارباب رعیتی و ستمگرانه شدیدترین درجه‌ی استثمار، حاکم است. کارگران مهاجر، به ویژه از افغانستان زیر ستمگرانه‌ترین ستمهای طبقاتی قرار دارند. بنا به آمار مرکز آمار ایران از نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، در برابر بیش از ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری که در بخش‌های حمل و نقل، عمده فروشی و خرده فروشی شاغل‌اند، تعداد کل افرادی که در بخش صنعت و ساخت مشغول به کار هستند به ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر نمی‌رسند.

تخریب تولید و افزایش بیکاری

به اعتراف یکی از «اعضای شورای عالی کار» ۸۰ درصد کارگران کشور، قراردادی و از مزایای قانونی محروم هستند. عضو شورای عالی کار وزارت کار جمهوری اسلامی با بیان آمار فوق به خبرگزاری دولتی مهر گفته است: "فقط ۲۰ درصد از کارگران مشمول ماده ۲۷ قانون کار و دارای قرارداد رسمی می‌توانند از مزایای قانونی خود برخوردار شوند." [2] عیدعلی کریم دبیر اجرایی خانه ضدکارگر قزوین گفت: «سال گذشته ۱۰۰ واحد تولیدی در استان قزوین تعطیل شد. بر اساس آمار وزارت کار و امور اجتماعی بیش از ۸۰ درصد از کارگران

قراردادی هستند که از بسیاری مزایای قانونی کار محروم اند" [3] این روند با شتاب و گستره شتابنده، تا اکنون جاری بوده و به ویرانگری بافت تولیدی و کارگری جامعه انجامیده است. باند دلالت و رانت‌خواران با تکیه بر درآمد نفت و مواد خام، گویی وظیفه‌دارند تا پس از خود، زمین سوخته باقی بگذارند.

توقف تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی هرچند کم‌پرادو، و کشاورزی به سوی سرمایه‌تجاری و مالی غیرمولد جریان داده می‌شود و بر حجم نقدینگی‌ها افزوده می‌شود. واردات بی‌رویه، تورم و سیاست‌های تخریبی، واردات بیش از پیش کالاهای بنجل مصرفی از چین، تایوان، تایلند و... روندي است که این باند مدیریت پیشبرد آن را به عهده دارد. **سازمانیابی و خودآگاهی کارگران تنها سلاحی اند در برابر این روند.**

قانون کار مانع تشکل‌های مستقل کارگری

فصل ششم از قانون کار جمهوری اسلامی به تشکل‌های کارگری و کارفرمایی اختصاص دارد. بر پایه ماده ۱۲۱ تنها کارگرانی می‌توانند انجمن صنفی تشکیل دهند که شامل قانون کار باشند. تبصره ۴ این ماده مقرر کرده «کارگران یک واحد، فقط می‌توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشند.» در ماده ۱۳۰ هدف از تاسیس انجمن‌های اسلامی «تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی» تعریف شده است. مطابق تبصره دوم ماده ۱۳۰ «این نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد انجمن‌های اسلامی موضوع این ماده باید توسط وزارت‌های کشور، کار و امور اجتماعی و سازمان تبلیغات اسلامی تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد.»

با توجه به هدف‌ها و وظایف این تشکل‌های سیاه و زرد حکومتی، حضور این بازوان ایدئولوژیک و نظامی و امنیتی در تمام عرصه‌های کار و تولید، نقش ارگان‌های سرکوبگر کارگران را ایفا کرده و می‌کنند. **نفرت آور است که این ارگان‌های سرمایه، در نشست‌های سالانه سازمان جهانی کار به جای تشکل‌های مستقل کارگری معرفی می‌شوند.**

تعدیل

تعدیل این مفهوم تباهی آور در ایران به وسیله کارگزاران سرمایه، عقلانیت یا همان راسیونالیزاسیون ترجمه می‌شود. این عقلانیت اما نه در حوزه سیاست، دین و فرهنگ و اجتماع، بلکه در حوزه اقتصاد است. در يك كلام، یعنی کاربرد عقلانیت سرمایه که با کمترین هزینه، بالاترین سود را به چنگ آورد. این عقلانیت که خدای آن سود است، در طرح‌های اقتصادی، اداره کارخانه، مدرسه، دانشگاه، و هر نهادی به کار می‌رود؛ زیرا که برای سرمایه، همه‌ی نهادها، یک واحد اقتصادی به شمار می‌آیند.

سودافزایی ماکزیمم با هزینه می‌نیمم، عقلانیت سرمایه داری است. در ایران حکومت اسلامی سرمایه، همانند آمریکا نیز این قانون مقدس سرمایه اجرا می‌شود و تعدیل نیز در همین مقوله می‌گنجد. مقدس‌ترین و در عین حال ددمنشانه‌ترین راه‌کار سرمایه گلوبال در ایران از زمان رفسنجانی تا کنون به شدت ادامه داشته است و به بیکاری میلیون‌ها کارگر و ورشکستگی هزاران کارگاه تولیدی خرد و کشاورزی انجامیده است.

در زبان فارسی واژه «تعدیل» واژه‌ی مقدس سرمایه‌داری و حکومت اسلامی، عین عدالت و عدل اسلامی است، به سود سرمایه. تعدیل حکومت اسلامی یعنی ویرانگری و هجوم و تیغ کشیدن به جان کارگران، یعنی بیکارسازی انبوه، پایین آوردن دستمزدها، بالا بردن شدت کار، اخراج، قطع امکانات و حقوق دیگر کارگری، نپرداختن دستمزدها تا چندین ماه و پرداختن کالا به جای پول، این است تعدیل یا عقلایی کردن روند تولید. به یاری تیغ تعدیل است که بیش از همیشه، دستمزدها هیچگاه برابر با قدرت خرید نیست و هیچگاه نیازهای زیستی کارگران را برنمی‌آورد. خصوصی سازی همراه با تعدیل، شمشیر دولبه ای اند بر سینه کارگران و تهی‌دستان جامعه.

در ایران زیر حاکمیت باندها، تمامی منابع در اختیار و انحصار باندهاست، برخلاف غرب سرمایه داری که هزینه‌های بهداشت، درمان و مدارس، سهم بالایی از بیمه ووو با پرداخت مالیات‌ها، بناگزیریه عهده دولت‌هاست، باندهای مافیایی حاکم در ایران، بدون برآوردن نیازهای ابتدایی کارگران، گداپوری می‌کنند، با گونی سبب زمینی و پیاز و نامه ای به احمدی نژاد، پنجاه هزار تومان با کثیف‌ترین و توهین آمیزترین برخورد با کارگران، و تهی‌دستان تلاش می‌کنند تا همان گونه که در تظاهرات نفرت آور دولتی که با ساندیس و ساندویچ سیاهی لشکر فراهم می‌آوردند، صدای کارگران را خاموش سازند.

در این روزها به توجیه اخراج‌ها و انجماد دستمزده، سخن از "مزد منعطف"، می‌رود. با "مزد منعطف"، هدف آن است که به بهانه جلوگیری از اخراج و با حداقل مزد، با بهره‌وری بالا، فروش و افزایش کمی و کیفی کار، شدت استثمار را بالا برده و به سود سرمایه افزوده شود. مقامات حکومتی به توجیه این طرح ضد انسانی می‌گویند، «بر اساس میزان تولید، فروش، بهره‌وری و تلاش کارگر در کاهش هزینه‌های تولید، هزینه‌های عمومی و کاهش ضایعات و در نهایت بهره‌وری ارقام دریافتی متفاوت است و شاخص جدید تعیین مزد به صلاح نیست.» ابراهیم نظری جلالی، دستیار وزیر کار، در گفتگو با خبرنگاری مهر درباره امکان افزایش رقم بن‌های کارگری در زمان تعیین حداقل دستمزد سال آینده کارگران، گفت: با توجه به اینکه افزایش میزان حق بن کارگران در سال آینده قطعی نیست ولی ممکن است در جلسات شورای عالی کار مطرح و با آن موافقت شود.

این کارگزار سرمایه در این باره که نمایندگان کارگران، عین همان همدستان و کارگزاران سرمایه، پیشنهادی مبنی بر افزایش بن کارگری در جبران دستمزدها را دنبال می‌کنند، گفت: بله، این مسئله قابل طرح است چون «شورای عالی کار» به نمایندگی از پرداخت کنندگان تصمیم می‌گیرد که یکی از گروه‌های عضو این شورا در سطح کشور، «کانون عالی کارگران» است.

کارگران از دستمزد 88 راضی اند و فریزر ها پر هستند

نظری جلالی ادامه داد: به صورت کلی، شورای عالی کار چگونگی پرداخت بن کارگری در سال آینده را به بحث می گذارد. در حال حاضر نیز دستگاهها به برخی کارخانجات که درآمد بهتری دارند چندین برابر عدد و رقم فعلی هر چند ماه یکبار پرداخت می کنند به نحوی که در برخی مواقع کارگران حواله های خود را به فروش می رسانند و می گویند "فریزر ما پر است".

معاون وزیر کار و امور اجتماعی در پاسخ به این پرسش که میزان رضایت کارگران از حداقل دستمزد تعیین شده سالجاری چه میزان بوده است؟ گفت: در این زمینه میزان رضایتمندی عمومی از دستمزد مطلوب و رضایتبخش است.

عبدالرضا شیخ الاسلامی وزیر کار که از استانداری هرمزگان و از همقطاران احمدی نژاد به وزرات نشانیده شد، عنصر اطلاعاتی و رییس دفتر احمدی نژاد بود، هماهنگ سازی جنایت علیه کارگران را به عهده دارد.

تعیین حداقل دستمزد کارگران در شرایطی در جریان است که، بودجه و اعتبارات نظامی و نه آن بخش عظیم به کلی سری و اضطراری، 20 میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. کاظم جلالی مخبر کمیسیون امنیت مجلس اسلامی نسبت به کم بودن این مبلغ، ناراضی است. در حالیکه رشد نقدینگی از 200 میلیارد به 300 رسیده، حجم فلاکت بار نقدینگی در جامعه ی ایران، رکود تورمی یا استاگفلاسیون می آفریند. هم اکنون قیمت ها نسبت به 4 تا 8 ماه گذشته تا 50 درصد افزایش یافته است. در حالیکه، فروش نفت افزون بر 47 میلیارد دلار در سال افزایش داشته، ایران از نظر تورم، در میان 180 کشور، در کنار بالاترین تورم ها و کشورهایی مانند برمه و زیمبابووه قرار گرفته است. بودجه سال 89 حدود 300 میلیارد دلاری، با کسری بین 40 تا 60 میلیارد دلار با طرح به اصطلاح هدفمند کردن یارانه ها، افزون بر 20 میلیارد دلار را از سفره تهی دستان و گلوئی کارگران می رباید تا با آن سلاح هسته ای و هزینه سرکوب جنبش های کارگری و خیزش خیابانی را برآورده سازد.

اوباش سالاران در ایران، دستاوردی جز فساد نمی آفرینند. سازمان جهانی شفافیت، مدیریت اقتصادی ایران را فاسدترین کشورها اعلام کرد. خط فقر یک خانواده 4 نفره بین 750 تا 900 هزار تومان و دستمزد ماهیانه یک کارگر کمتر از 270 هزار تومان، در حالیکه، بین سال های 78 تا 88 حجم نقدینگی 9 برابر شده است، یعنی از 19 میلیارد دلار به 200 میلیارد دلار و از این نیز فراتر رفته است.

نشست 11 اسفند نمایندگان سرمایه به گزارش حسین سلاح ورزی نماینده کارفرمایان در جلسه شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزدها بی نتیجه ماند و 27 اسفند برای نشست نهایی اعلام شد. با این همه اعلام گردید که توافق شده است که دستمزدها با کمی جبران تورم، ثابت بمانند. جلسه اضطراری شورای تامین استان و رییس سازمان صنایع و معادن در تهران جلسه بحرانی در دی ماه 88، در مقابله با بحران و برآمد کارگری، نشانه ی هراس باندهای حاکم، از خیزش حتمی کارگران می باشد.

حسن روحانی از اعضا مجمع تشخیص مصلحت نظام اعتراف کرد که سال سختی در پیش و علامت های اقتصادی هشدار دهنده ای در جریان است. کارگران در برابر این شرایط، خاموش نخواهند ماند. حکومتی که باد می کارد، توفان درو خواهد کرد. رزم و خیزش کارگران، شورش گرسنگان و خیزش خیابانی توده های ستمکشیده، خیزش زنان و جوانان، کارگران بیکار و ... واکنش دیالکتیکی و قانونمندی است که در آسمان ایران پژواک یافته و اوج خواهد یافت.

دستمزد در مناسبات مزدبری، وابسته به سرمایه و سرمایه وابسته به دستمزد است و این دو یکدیگر را به وجود می آورند. کارگرمزدور تا زمانی که کارگر مزدبگیر بماند، سرنوشتی وابسته به سرمایه دارد. کارگر، اگر بخواهد از این سرنوشت رهایی یابد، باید که این رابطه و مناسبات را به هم زند. کسانی که تشکل های طبقاتی کارگران را برای چانه زنی در چارچوب صنفی و تنها برای کم و زیاد کردن این دستمزد و شرایط کار می خواهند، چه با «حسن نیت» چه آگاهانه، کارگران را در زنجیر اسارت می خواهند.

منبع سایت دیدگاه

عباس منصوران

9 مارس 2010

a.mansouran@gmail.com